

مقاله پژوهشی

بررسی سبک‌شناسی منظومه غنایی «مهر و مشتری» اثر عصار تبریزی

زیبا اسماعیلی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

بهمن ۱۴۰۰، دوره ۱۴، شماره پیاپی ۶۹، صفحات ۱۲۹-۱۴۶

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۴.۶۲۴۲

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: منظومه «مهر و مشتری» اثر عصار تبریزی، یکی از شاعران توانمند قرن هشتم هجری است. این اثر همچون سایر منظومه‌های غنایی قرن هفتم و هشتم، اگرچه تحت تأثیر شیوه شاعری نظامی سروده شده، خالی از خلاقیت‌های فردی شاعر نبوده است. این منظومه علیرغم داشتن شهرت نسبی در زمان زندگی شاعر، چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. در این مقاله ضمن معرفی این اثر، ویژگی‌های زبانی و ادبی آن بررسی شده است.

روش مطالعه: این پژوهش به روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی تحلیلی انجام گرفته است. جامعه آماری پژوهش تمام اشعار منظومه مهر و مشتری است.

یافته‌ها: منظومه مهر و مشتری در قالب مثنوی و در بحر هزج مسدس محذوف سروده شده است. انواع مختلف جناس، تکرار واژه، تصدیر، هم‌حروفی، هم‌صدایی، تنسيق صفات، تتابع اضافات، اعنات و طرد و عکس بکار رفته که موسیقی درونی شعر را افزایش داده است. در سطح لغوی در این منظومه لغات و ترکیبات عربی، لغات و ترکیبات نجومی و ترکیب‌های نوساخته، بسامد بالایی دارد که بنظر میرسد در کاربرد این اصطلاحات تحت تأثیر خاقانی و نظامی است. در سطح ادبی، تشبیه، اضافه تشبیهی، استعاره مصرحه و تلمیح از پربسامدترین آرایه‌های بکاررفته در این منظومه است. تشبیه و استعاره متناسب با روح غنایی اثر بکار رفته است. ایهام تناسب نیز اغلب با نام شخصیت‌های داستان بوجود آمده است که رنگ تصنعی به شعر داده است.

نتیجه‌گیری: عصار تبریزی چون شاعران هم‌عصر خود به شیوه داستان‌سرایی نظامی نظر دارد اما دارای برخی ابتکارات زبانی خویش نیز است. ویژگی‌های زبانی و ادبی بکاررفته در اثر چون کاربرد لغات عربی، اصطلاحات نجومی، تشبیهات حسی نشان‌دهنده توجه عصار تبریزی به شیوه شعرسرایی نظامی است. استفاده از کلمات و ترکیبات عربی، کاربرد ترکیبات بدیع، استفاده فراوان از آرایه‌های ادبی، وارد کردن اصطلاحات نجوم، موسیقی، شطرنج و ... از نشانه‌های بارز سبکی این منظومه است.

تاریخ دریافت: ۱۱ دی ۱۳۹۹
تاریخ داوری: ۱۳ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ اصلاح: ۲۴ بهمن ۱۳۹۹
تاریخ پذیرش: ۱۴ فروردین ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

عصار تبریزی، مهر و مشتری، سبک‌شناسی، سطح زبانی، سطح ادبی

* نویسنده مسئول:

esmaeili.ziba@sru.ac.ir ✉

۲۲۹۷۰۰۶۰ (۹۸ ۲۱) ☎



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the stylistics of the lyrical poems "Mehr and moshtari" by Assar Tabrizi

Z. Esmaeili

Department of Persian Language and Literature, Tarbiat Dabir Shahid Rajaei University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۳۱ December ۲۰۲۰

Reviewed: ۰۱ February ۲۰۲۰

Revised: ۱۲ February ۲۰۲۱

Accepted: ۰۳ April ۲۰۲۱

KEYWORDS

Assar Tabrizi, Mehr and moshtari, Stylistics, Linguistic Level, Literary Level

*Corresponding Author

✉ esmaeili.ziba@sru.ac.ir

☎ (+۹۸ ۲۱) ۲۲۹۷۰۰۶۰

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: The poem "Mehr and moshtari" by Assar Tabrizi is one of the most powerful poems of the eighth century AH. This work, like other lyrical poems of the seventh and eighth centuries, although written under the influence of military poetic style, was not devoid of individual poetic creations. This poem, despite having a relative reputation during the poet's lifetime, has not received much attention from researchers. In this article, while introducing this work, its linguistic and literary features have been studied.

METHODOLOGY: This research has been done by library method with descriptive-analytical approach. The statistical research is all the poems of Mehr and moshtari.

FINDINGS: The poem "Mehr and Jupiter" has been composed in the form of Masnavi and in the sea of Hazj Masdas. Different types of puns, word repetition, conjugation, consonants, consonants, adjectives, adverbs, adverbs, and rejections and photographs have been used to enhance the inner music of the poem. At the lexical level in this system, Arabic words and compounds, astronomical words and compounds, and newly created compounds have a high frequency, which seems to be influenced by Khaghani and Nezami in the use of these terms. At the literary level, simile, metaphorical addition, explicit metaphor, and allusion are some of the most common arrays used in this system. Metaphor and metaphor are used in accordance with the lyrical spirit of the work. The ambiguity of proportion is often created by the names of the characters in the story, which give the poem an artificial color.

CONCLUSION: Assar Tabrizi, like his contemporaries, thinks in the style of military storytelling, but also has his own linguistic initiatives. The linguistic and literary features used in the work, such as the use of Arabic words, astronomical terms, sensory similes, etc., show the attention of Assar Tabrizi to the style of military poetry and the Azerbaijani style. The use of Arabic words and combinations, the use of novel combinations, the extensive use of literary arrays, the introduction of astronomical terms, music, chess, etc. are obvious signs of the style of this system.

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۴.۶۲۴۲

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 ۱۵	 ۰	 ۰

مقدمه

داستان‌سرایی از دوران باستان مورد علاقه ایرانیان بوده است. وجود گوسانها که داستان‌پردازان قصه‌های شفاهی بودند از طرفی و تنوع داستانهای حماسی و عاشقانه در ایران باستان، نشان‌دهنده میزان توجه ایرانیان به این نوع ادبی است. داستانهای عاشقانه یکی از انواع داستانهای رایج محسوب می‌شده است. داستانهایی چون زال و رودابه، بیژن و منیژه، فرنگیس و سیاوش که در شاهنامه یاد شده است، وامق و عذرا که اصلی یونانی داشته و در زمان انوشیروان به فارسی میانه برگردانده شده است و ویس و رامین به زبان پهلوی نمایانگر رواج و رونق این نوع ادبی در ایران باستان بوده است. پس از اسلام نظم داستانهای عاشقانه با شاعرانی چون عنصری و فخرالدین اسعد گرگانی آغاز شد و با نظامی گنجوی به اوج رسید. پس از نظامی در دو قرن هفتم و هشتم، شاعران بسیاری داستانهای عاشقانه را به نظم کشیدند. امیرخسرو دهلوی، خواجوی کرمانی، سلمان ساوجی و عصار تبریزی همگی سرایندگان داستانهای عاشقانه هستند. «داستان‌سرایی در این دوره تا حدی متأثر از کار نظامی گنجه‌یی و یا دنباله‌گیری کار و شیوه او بود، درعینحال داستان‌سرایان این دوره خود نیز به ابتکارها و تازه‌هایی دست زدند» (تاریخ ادبیات ایران، صفا: ۸۱-۸۲). در قرن نهم و دهم نیز داستان‌سرایی عاشقانه در شعر شاعرانی چون جامی، اهلای شیرازی، هاتفی خرجردی و غیره به شیوه قرن هفتم و هشتم ادامه یافت.

منظومه «مهر و مشتری» یکی از منظومه‌های نه چندان مشهور قرن هشتم است. عصار تبریزی چون شاعران هم‌عصر خود به شیوه داستان‌سرایی نظامی نظر دارد اما دارای برخی ابتکارات زبانی خود نیز است. همچنین از نظر سبکی از آخرین پیروان سبک آذربایجانی محسوب می‌شود. استفاده از کلمات و ترکیبات عربی، کاربرد ترکیبات بدیع، استفاده فراوان از آرایه‌های ادبی، وارد کردن اصطلاحات نجوم، موسیقی، شطرنج و ... از نشانه‌های بارز سبکی این منظومه است. هدف این مقاله بررسی ویژگیهای سبکی منظومه مهر و مشتری است. از اینرو ویژگیهای سبکی این منظومه در دو سطح زبانی و ادبی بررسی و تحلیل شد.

سؤال اصلی پژوهش این است که با توجه به ویژگیهای زبانی و ادبی منظومه مهر و مشتری، ویژگیهای کدام سبک در این اثر بارزتر است؟ فرضیه پژوهش نیز چنین تعریف می‌شود: ویژگیهای زبانی و ادبی بازتاب‌یافته در منظومه «مهر و مشتری»، این اثر را به سبک آذربایجانی نزدیک مینماید.

ضرورت و سابقه پژوهش

این منظومه با وجود غنای زبانی، کمتر شناخته شده است. از آنجاکه این منظومه، حائز ویژگیهای سبک آذربایجانی است و در این سبک شاعران محدودی تاکنون شناخته شده، بررسی ویژگیهای زبانی و ادبی این منظومه ضرورت دارد.

با وجود اهمیت و جایگاه شاعری عصار تبریزی و منظومه «مهر و مشتری» او، تاکنون تحقیقات زیادی در این زمینه انجام نشده است. تعداد تحقیقات انجام گرفته در این موضوع بسیار محدود و اندک است. با جستجو در منابع اطلاعاتی مانند نورمگز، مگیران و ایرانداک مشخص گردید که تاکنون بررسی سبک‌شناسی منظومه «مهر و مشتری» بی‌سابقه است. تنها یک مقاله، تا حدودی به موضوع این مقاله نزدیک است: «بررسی سیر تطوّر دو گونه زبان در منظومه‌های غنایی از ابتدا تا آخر دوره تیموریان» از مددی، مظفری، و طلوعی آذر (۱۳۹۷). در این مقاله نویسندگان چند منظومه غنایی را از نظر زبانی بررسی کرده‌اند که منظومه مهر و مشتری نیز یکی از نمونه‌های

بررسی شده است. جز این، مقاله دیگری با عنوان «عصّار شاعر و عارف توانمند آذربایجان» از مصطفوی سبزواری (۱۳۸۶) چاپ شده است که توجه به زندگی شاعر دارد.

بحث و بررسی

معرفی منظومه «مهر و مشتری» و سراینده آن

منظومه «مهر و مشتری» مثنوی عاشقانه‌ای در بحر هزج است که به شیوه خسرو و شیرین نظامی، توسط مولانا عصّار تبریزی، از شاعران توانای قرن هشتم هجری سروده شده است. نام او را شمس‌الدین محمد ذکر کرده‌اند (دانشمندان آذربایجان، تربیت: ص ۲۷۵). مدرس تبریزی منظومه دیگری موسوم به «مهر و ماه» را نیز به او منسوب میداند (ریحانه‌الادب، مدرس تبریزی، ج ۴: ص ۱۴۰). همچنین دیوان شعری مشتمل بر قصاید، غزلیات، مقطعات، رباعیات و ... نیز داشته است (دانشمندان آذربایجان، تربیت: ص ۲۷۶). وی از شاعران عهد سلطان اویس ایلکانی و مداح او بوده است. از اشعار او میتوان دانست که با علوم مختلف آشنایی داشته است و از اصطلاحات علوم مختلف در اشعار خود وارد نموده است. علاوه بر علوم مختلف، با عرفان و تصوّف نیز آشنا بوده است. او را مرید شیخ اسماعیل سیسی دانسته‌اند (همان: ص ۲۷۵). گفته‌اند عبدالرحمن جامی، منظومه مهر و مشتری را ستوده است و گفته این مرد روی مردم تبریز را سفید کرده است و محال است در این بحر مثنوی به این خوبی گفته شود (دانشمندان آذربایجان، تربیت: ص ۲۷۵؛ ریحانه‌الادب، مدرس تبریزی، ج ۴: ص ۱۴۰). وفات او را سال ۷۹۲ ه (دانشمندان آذربایجان، تربیت: ص ۲۷۵) و سال ۷۸۳ ه یا ۷۹۲ ه (ریحانه‌الادب، مدرس تبریزی، ج ۴: ص ۱۴۰) دانسته‌اند.

ویژگیهای زبانی

سطح آوایی

تمام هنجارهای مربوط به سطح آوایی اثر، هماهنگیهای موسیقایی و آرایه‌های لفظی در این سطح بررسی و تحلیل میشود.

*** موسیقی بیرونی (وزن):** موسیقی بیرونی، همان وزن عروضی است براساس کشش هجاها و تکیه‌ها. «موسیقی بیرونی، مجموعه آوایی بکاررفته در شعر بلحاظ کوتاه و بلندی مصوتها و یا ترکیب صامتها است که از نظام خاصی برخوردار است» (موسیقی شعر، شفيعی کدکنی: ص ۹). «هر شعری بسته به محتوا و حالت عاطفیش، با وزن خاصی مطابقت دارد، به عبارت دیگر، شاعر از میان اوزان شعری، وزنی را که با محتوا و حالت انفعالی شعرش هماهنگ باشد برمیگزیند (وزن و قافیه شعر، وحیدیان کامیار: ص ۶۱). منظومه مهر و مشتری بر وزن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیل (فعولن) و در بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف سروده شده است. بحر هزج، بخصوص در این وزن، وزنی پرکاربرد برای سرودن منظومه‌های غنایی محسوب میشود. پیش از عصّار تبریزی، نظامی منظومه خسرو و شیرین و فخرالدین اسعد گرگانی منظومه ویس و رامین را در این بحر سروده‌اند. این وزن برای توصیف احساسات و حالات عاطفی شدید مناسب‌تر است. از اینرو وزنی پرکاربرد برای سرودن منظومه‌های غنایی، نیز وزن مخصوص ترانه است که قالب بیان احساسات و عواطف است.

*** موسیقی کناری (قافیه و ردیف):** یکی از موثرترین عناصر در تأثیر موسیقایی شعر، قافیه است. «قافیه در ساختمان یک شعر همان سهمی را دارد که کلیدها و مایه‌ها در موسیقی» (موسیقی شعر، شفيعی کدکنی: ص

۶۷). منظومه مهر و مشتری چون سایر منظومه‌های شعر فارسی، در قالب مثنوی سروده شده است. از اینرو در این منظومه، تنوع قافیه و ردیف بصورت قابل توجهی مشاهده میشود. در این منظومه بیشترین قافیه‌های بکاررفته، قافیه اسمی است بخصوص در توصیف زیباییها و حالات عاشقانه بیشتر از قافیه‌های اسمی استفاده شده است. شاعر هنگام استفاده از قافیه اسمی آزادی عمل بیشتری در توصیفهای غنایی احساس میکند. زمانی که به توصیف «سر تا میان مهر» میپردازد در ۱۴۶ بیت، ۱۳۱ بیت دارای قافیه و فقط ۱۵ بیت دارای ردیف است که از این میان ۶ بیت ردیف فعلی، ۶ بیت ردیف اسمی و ۳ بیت ردیف حرفی دارد. حتی استفاده از قافیه فعلی نیز در اشعار او محدود است. در ابیات مذکور تنها ۴ بیت دارای قافیه فعلی است. عصار تبریزی در این قسمت به جای فعل بیشتر از صفت مفعولی در جایگاه قافیه بهره میگیرد به گونه‌ای که در ابیات مذکور ۲۳ بیت دارای چنین قافیه‌ای است. جایگزین کردن صفت مفعولی به جای افعال در زمانهای مختلف، اگرچه در شعر شاعران مختلف وجود دارد ولی بسامد قابل توجه قافیه اسمی و کم بودن قافیه فعلی، این ویژگی را در شعر عصار تبریزی محسوس و قابل توجه میکند. زمانی که شاعر به توصیف صحنه‌های رزم میپردازد میزان کاربرد ردیف و قافیه فعلی افزایش مییابد. در توصیف «صفت شیر کشتن مهر در راه»، «جنگ کردن مهر با جماعت دزدان» در ۱۳۱ بیت، ۱۱۲ بیت دارای قافیه اسمی و ۱۹ بیت دارای ردیف است که از این میان ۱۵ بیت ردیف فعلی، ۳ بیت ردیف حرفی و ۱ بیت ردیف اسمی دارد. بسامد قافیه فعلی ۱۹ مورد و میزان استفاده از صفت مفعولی در این قسمت محدود و فقط ۲ مورد است.

در مجموع در این منظومه ۷۹٪ ابیات قافیه اسمی و ۱۱٪ ابیات قافیه فعلی دارند. در حدود ۱۰٪ ابیات ردیف همراه با قافیه بکار رفته است. اکثر ردیفها، ردیفهای فعلی هستند و ردیفهای اسمی بسامد کمی دارد. ردیفهای طولانی در منظومه مهر و مشتری بصورت انگشت‌شمار بکار رفته است.

نگاهی به منظومه‌های غنایی موفق چون خسرو و شیرین نظامی، در شیوه بکارگیری ردیف و قافیه نشان میدهد که تنوع بکارگیری ردیف در این منظومه بیشتر از اثر عصار است و این مسئله نمایانگر توجه بیشتر نظامی به موسیقی کناری شعر بوده است. اما در منظومه خسرو و شیرین نیز قافیه فعلی بسیار کمتر از قافیه اسمی بکار رفته است. کاربرد ردیف نیز بسامد بالایی ندارد. بعنوان مثال در قسمت «دیدن خسرو شیرین را در چشمه‌سار» از ۶۲ بیت، ۲۰ بیت ردیف فعلی، ۶ بیت ردیف حرفی و ۲ بیت ردیف اسمی دارد. در این ابیات ۱۷ بیت قافیه فعلی و باقی ابیات قافیه اسمی دارند. در ۸ بیت صفت مفعولی در جایگاه قافیه و در ۳ بیت در جایگاه ردیف قرار گرفته است. بنابراین از این انتخاب اتفاقی ابیات و بررسی آن، میتوان دانست که با وجود تنوع بیشتر در قافیه و ردیف در شعر نظامی، همچنان غلبه با کاربرد قافیه اسمی در اشعار او است. این مسئله میتواند مرتبط با سرودن مثنوی و نوع توصیفهای موجود در این قبیل منظومه‌ها باشد که غلبه یک نوع از قافیه را تقویت میکند. اگرچه شفيعی کدکنی معتقد است شاعرانی که بیشتر از ردیفهای فعلی استفاده میکنند، بیشتر اهل تجربه و حرکت هستند و شعر ایشان دارای پویایی و حرکت است و شاعرانی که ردیفهای اسمی و حرفی بیشتری دارند اهل تجرید، انتزاع، سکون و ایستایی هستند (همان: ص ۴۱۳).

در زمینه کاربرد ردیف و قافیه بطور کلی، به سنت قدما عمل کرده است جز مواردی که با ذکر ردیف، از ذکر قافیه چشم‌پوشی کرده است:

چو زان رخ در چمن عکسی فتاده / گل از نار خجالت درفتاده (۳۷۴)

معین چشمش از دیدار من دور / بود خونبار و از خواب و خرد دور (۴۵۳۳)

در این معنی بسی اندیشه کردم / مروت را شعار خویش کردم (۴۵۵۸)

ذوقافیتین: برای افزودن موسیقی کناری، گاه دو قافیه بکار میبرد که در این زمینه پیرو شاعران پیش از خود است. شورانگیز املح- شکرریز افصح (۶۳)، رفته در خواب- لاله در تاب (۹۱)، باده نوشید- حله پوشید (۱۱۷)، زبان صرف- میان طرف (۱۳۳)، گورستان اشباح- سرابستان ارواح (۳۰۰)، بستان طریقت- ایوان طریقت (۲۹۸)، بیماران سودا- مشتاقان شیدا (۸۶۰)، گلزار حبیبم- خار رقیبم (۹۳۴)، زمان مهر- آسمان چهر (۲۷۶۹)، احمر چکیده- عنبر کشیده (۲۷۶۳).

*** قافیه بدیعی:** یکی از تلاشهای او برای ایجاد موسیقی بیشتر، استفاده از انواع جناس است. به همین منظور از انواع مختلف جناس در جایگاه قافیه بهره میگیرد تا کلامش هماهنگی آوایی بیشتری داشته باشد.

قافیه تجنیس: دمع- شمع (۱۳۰) / عرض- قرض (۱۳۹) / دایم- قایم (۱۴۱) / گرمی- نرمی (۱۷۴) / سوز- روز (۱۶۴) / ساحری- سامری (۱۹۹) / جازم- لازم (۲۱۳) / صواب- جواب (۲۱۲) / معرّآ- مبرّآ (۲۱۶) / سواره- ستاره (۲۷۶۵) / قامت- قیامت (۲۷۶۶) / سائل- مسائل (۳۱۱۵) / احبار- اخبار (۳۰۲۰) / جناس تام در قافیه: دم- دم (۱۶۷)، مهر- مهر (۱۸۰)، محفوظ- محفوظ (۵۰۰)، خوار- خوار (۲۱۴۷)، شاهد- شاهد (۳۰۲۱)، خویش- خویش (۶۷۹) / جناس مرکب در قافیه: سخنگوی- سخن گوی (۲۰۴)، جهانگرد- جهان گرد (۱۸۳۶)، بدرد- بد رود (۶۸۴)، بخاری- بخاری (۳۴۴۲)، سردار- سردار (۳۷)

موسیقی درونی

موسیقی درونی مجموعه هماهنگیهایی است که از طریق وحدت یا تضاد صامت‌ها و مصوت‌های کلمات یک شعر پدید می‌آید و انواع جناسها، برخی تکرارها و اعنات از جلوه‌های آن است.

*** جناس:** در منظومه مهر و مشتری انواع جناس تام، زاید، اشتقاق و شبه اشتقاق بیش از دیگر انواع جناس بکار رفته است که سبب افزایش موسیقی شعر این منظومه شده است: تام: مهر- مهر (۳۳۰) / بر- بر (۴۴۹) / میان- میان (۴۷۳)، (۴۷۷) / روان- روان (۱۴۸۵) / چنگ- چنگ (۱۵۲۶) / زاید: جان- جهان (۲۰۶) / بحر- بحر (۳۴۰) / چشم- چشمه (۱۶۵۰-۳۴۱۱) / باد- آباد (۱۷۹۷) / دم- دمه (۳۴۱۷) / بهاران- باران (۶۸۰) / گردون- گردن (۳۵۸۳) / اشتقاق: مسخر- تسخیر (۳۴۶) / معشوق- عاشق (۴۰۶) / عاشق- عشق- معشوق (۱۵۸۰) / خمیر- تخمیر (۴۵۷) / پشت- پشتیوان (۴۶۲) / شبه اشتقاق: لولو- لالا (۴۰۴) / جناس محرف: استاد- استاد (۴۰۹) / خط: فسرده- فسرده (۱۳۸) / پیر- تیر (۳۰۱) / غرق- عرق (۱۵۰۴) / لفظ: آزر- آذر (۱۵۰۰) / مرکب: دلبران- دل بر آن (۱۷۱۰) / در دم- دردم (۱۸۱۵) / مضارع و لاحق: کردن- گردن (۴۲۱) / مطرف: مهر- مهد (۳۳۰۱).

* تکرار

تکرار یکی از روشهای ایجاد موسیقی در شعر است. از این نظر در شعر کلاسیک با انواع مختلفی از این تکرارها مواجه هستیم که نامگذاریهای متنوعی را در کتب بدیع به خود اختصاص داده است. اما اینکه چه مقدار از این تکرارها به هنری شدن کلام کمک میکرده و چه مقدار صرفاً برای آرایه‌سازی بوده، بحثی مفصل است. در منظومه مهر و مشتری انواع مختلفی از این تکرارها را مشاهده میکنیم. تقریباً تمام انواع مختلف این تکرارها که در زمان شاعر بعنوان آرایه ادبی شناخته شده، مورد توجه شاعر بوده اما این توجه بیشتر بمنظور آرایه‌سازی بوده است. زمانی که شاعر آرایه‌هایی چون تصدیر یا اعنات را بکار میگیرد صرفاً به فکر آرایه‌سازی است که بنظر میرسد این مسئله بیشتر تحت تأثیر سنت شعری زمان شاعر و توجه بسیار او به شاعران سبک آذربایجانی اتفاق افتاده است.

تکرار واژه: همه تن رو همه رو حسن چون مهر (۳۷۲)، سخن نازک بود در وصف آن بر / کدامین بر بر سیمین صنوبر (۴۴۸)، بر حور بهشتی پیش آن بر (۴۵۰)، چنار آسا چو بودش باد در دست / زدی هر لحظه از غم دست بر دست (۶۸۱)، از آن سو مهر نیز از مهر در تاب (۷۵۱)، که مهر آن مهر چرخ مهربانی (۱۵۱۵)، سرا گشت از نگاران سرایی (۳۰۳۵)، بت چنگی گرفته چنگ در چنگ (۳۰۵۰)، ز مهر مهر مهرانگیز دلخواه (۳۳۲۶).

تصدیر (رد العجز علی الصدر)

تلی از ریگ بد جوشیده چون دیگ بیفکندند خود را بر تل ریگ (۱۵۳۰)

رد الصدر علی العجز:

پر از راحی به روح روح در تن / روانی گشته ساکن در بدن دن

دنی لیکن دنی از صحبت وی / شده کان عطا چون حاتم طی (۲-۳۰۴۱)

دو سرو سایه بخش مهر منظر / بیپچیدند با هم بار دیگر

دگر ره مهر چوگان زلف مهروی / برون برد از بر شاه جهان گوی (۳۱۶۹)

چو در معنی رسیدن می‌توانی / به صورت از چه معنی بازمانی

ره معنی سپر صورت رها کن / ز بت بگذر توجه با خدا کن (۱۷۷۲)

* تکرار ترکیبات (واژه‌های دوتایی): صف (۱۱۴)، پاره پاره (۲۳۲۷)، یک به یک (۲۳۲۷ و ۲۳۶۰)، - سر در سر

- پر در پر (۲۳۵۶) نور علی نور (۲۳۶۳)، فوج بر فوج (۳۲۷۵)، یکایک (۳۲۶۹)، یک یک (۳۲۴۱).

* تکرار هجا :

گهی در اوج و گه در قعر بوده گهی ماه و گهی ماهی نموده

گهی بر چرخ و گه در چرخ رفته قرار از هیچ رویی ناگرفته (۲۳۲۲)

* تکرار واج (واج آرایی)

تکرار صامت (هم‌حروفی):

بباید کردنت با من فرودداشت / نشاید چشمه خورشید انباشت (۱۹۱)

بر حور بهشتی پیش آن بر / به دعوی نامده هرگز برابر (۴۵۰)

چنین حصنی که سر بر آسمان سود / مقام رهنان اصفهان بود (۱۴۳۷)

بت ساقی ز جام حسن سرمست / به خدمت ایستاده جام بر دست (۳۰۴۰)

طریق بت پرستی می‌سپارم / سر و برگ مسلمانی ندارم (۱۷۴۸)

چو هستی زان بت دلدار تمثال / سزد گر از تو پرسم صورت حال (۱۷۵۰)

تکرار مصوت (هم‌صدایی):

چو خود را یافتند از بند آزاد / در آن صحرا دوان گشتند چون باد (۱۴۶۹)

ز تاب مهر آهن آب گشته / گدازان سیم چون سیماب گشته (۱۴۸۳)

گهی در چرخ کردی تیغ بازی / گهی کردی رسن بازی چو غازی (۱۴۹۶)

بتی مشکین خطی شیرین زبانی / نگارین لعبتی زیبا بیانی (۲۹۹۳)

* تنسیق الصفات:

بر آن سرکش خوش وضع ساده (۴۲۴) / روان بهرام آهن روی غماز (۵۸۳) / سواد اعظم دلهای شیدا (۳۴۳) / نگاری سرخ‌روی مردم آمیز (۲۱۹۸) / سپهر مهره‌گردان مشعبد (۲۹۱۶) / بتی شیرین و نازک‌طبع و رعنا (۲۲۰۷) ***تتابع اضافات:**

به صورت شهریار مرکز گل / به معنی مقتدای عالم دل (۳۰۹)

به صورت نرگس بستان خوبی / به معنی منظر ایوان خوبی (۳۶۴)

که ای مهر سپهر خو برویی / جمالت ماه گردون نکویی (۸۵۸)

طبيب درد بيماران سودا / انيس جان مشتاقان شيدا (۸۶۰)

اميد نااميدان دل افگار / توان ناتوانان جگرخوار (۸۵۹)

***اعنات (التزام):** یکی از انواع اعنات التزام کلمه است. به این صورت که شاعر خود را ملزم به تکرار کلمه‌ای در هر مصرع یا بیت میکند (فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی: ص ۷۶). عصار تبریزی نیز در منظومه مهر و مشتری چنین التزامهایی دارد که بنظر میرسد شاعر از آوردن این التزامها جز به رخ کشیدن هنر شاعری و تسلط خود بر تمام آرایه‌ها قصد دیگری نداشته است. او از بیت ۱۱۰۲ تا بیت ۱۱۵۲ کلمه خط را در هر بیت تکرار میکند و به این ترتیب التزام کلمه و اعنات بوجود می‌آورد.

***طرد و عکس:** جهان جانی و جان جهانی / روان روحی و روح روانی (۸۶۱)، ز غم گشت ارغوانش زعفرانی / ز دم شد زعفرانش ارغوانی (۲۳۹۹)، چو کار افتاده‌ای افتاده از کار (۲۳۸۶)، که دست از پا و پا از سر ندانم (۵۲).

***فرايندهای واجی:** تخفيف: که تا نارد برون از ناخنش خون (۵۴۹)، که سنگی نایدش در زیر دندان (۵۵۰)، ستاد از پا چو بيد از باد لرزان (۶۵۰)، بود بر درگه شهزاده مادام (۵۴۱) وزان پس کرد اشارت با عصابه / که تا آرند محکم یک عرابه (۳۵۱۴)، فکنده ژنده پيلي بر عرابه (۳۵۲۳) / اشباع: کمان حالی که در نزع اوفتادی (۳۸۰۱) / ادغام: کند رایت به هر سو کآورد روی (۵۷۶)، ورم جز چشمش از مردم بود یار (۳۶۷۳) / تشديد مخفف: روان از دست ساقی جام بلور (۳۰۵۴)، بدرم پهلوی خود را به خنجر (۳۶۶۲)، سر خود را ببرم از سر کین (۳۶۶۴)، به امیدي رسد امیدواری (۴۱۴۴).

سطح لغوی

سطح لغوی به بررسی شیوه گزینش واژگان در هر اثر می‌پردازد. تفاوت در شیوه انتخاب کلمات، لغات و ترکیبات سبک هر شاعر را ایجاد میکند. فراوانی استفاده از لغات و ترکیبات عربی، اصطلاحات نجومی و ترکیبهای بدیع مولفه شاخص سبک آذربایجانی است. چنان‌که اشعار خاقانی و نظامی نیز با همین شاخص از شعر سایر شاعران ممتاز میشود. «آنچه خاقانی را از دیگر شاعران ممتاز میدارد بکار بردن لغات و ترکیبات خاص و ساختن تراکیب گوناگون است» (مقدمه دیوان خاقانی، سجادی: ص پنجاه و سه). این ویژگی در منظومه مهر و مشتری نیز بارز و آشکار است.

کاربرد لغات و اصطلاحات نجومی: اصطلاحات مربوط به نجوم، با بسامد بالایی در این منظومه بکار رفته است. شاعر در هر قسمتی تلاش کرده اصطلاحی نجومی را بکار گیرد. حتی نامگذاری شخصیت‌های داستان به مهر، مشتری، ناهید، بدر، بهرام، کیوان، جوزا و... همگی نشان‌دهنده میزان توجه شاعر به این مقوله است. او حتی اصطلاحات خاص و مهجور علم نجوم را وارد اشعار این منظومه کرده تا تسلط خود را در حوزه این علم به نمایش بگذارد که

البته در این مسئله پیرو شاعران بزرگ سبک آذربایجانی بخصوص نظامی و خاقانی است. بسامد بالای کاربرد این اصطلاحات این مؤلفه را به ویژگی سبکی این شاعر تبدیل کرده است. شدی گه مستقیم و گاه راجع / گهی میگشت غارب گاه طالع (۲۳۱۶) وتر بگسسته ز آن قوس امانی / دریده سهم جیب اسطوانی (۲۳۱۸) ز قوس چرخ با نیرو و سامی / نه همچون جدی گشته رام رامی (۲۴۸۹) ز یمن اخترش مسعود طالع / عدو را اختر منحوس راجع (۴۳۴۷) پس از دور غریبی در وبالش / شرف بنمود رخ زان اتصالش (۴۳۴۴) سوار چرخ جست از قوس چون تیر / بز کوه فلک را کرد نخچیر (۳۴۶۰) اجتماع ماه و خورشید (۳۱۵)، ارتفاع، اوج (۴۹۳)، احتراق (۷۰۴)، قران (۷۰۳)، وبال (۷۰۵)، خط استوا، خط محور، سطح اغبر (۲۰۰۳)، قبه گردون (۲۰۱۳)، ذنب فعل، زحل خوی (۲۰۲۵)، قران، مشتری، تیر (۲۰۸۲)، یدالجوزا (۲۱۱۱)، اوج ثریا، تحت الثری (۲۱۳۴)، حضيض قوس (۲۳۰۴)، محیط، مرکز (۲۳۱۱)، ادوار سماوی (۲۳۱۲)، مایل، تدویر، تیر (۲۳۱۴)، مسیر، مدار (۲۳۱۵)، قوس (۲۳۱۷)، انجم سیار، گنبد دوار (۲۳۲۰)، اوج، قعر، ماه (۲۳۲۱)، سماک رامح (۳۲۴۶)، خانه قوس (۳۵۰۰)، دوپیکر (۳۵۲۵)، تثلیث (۳۱۸۴)، ناهید - مهر - جوزا (۳۳۵۳)، دور - وبال - شرف - اتصال (۴۳۴۴)، اختر - طالع - راجع (۴۳۴۷).

کاربرد لغات و ترکیبات عربی

یکی دیگر از ویژگیهای سبکی این منظومه کاربرد لغات و ترکیبات عربی است. اگرچه این امر جزو سنتهای ادبی زمان شاعر محسوب میشود ولی افراط در کاربرد این لغات و اصطلاحات و کاربرد لغات و اصطلاحات مهجور عربی، ویژگی آشکار سبک آذربایجانی است که در شعر عصار تبریزی نیز آشکارا قابل مشاهده است. غلامرضایی بر این باور است که «واژه‌های عربی در شعر شاعران این دوره فراوان است، اما در سخن شاعران صاحب سبک این دوره بیشتر واژه‌های مأنوس و متداول بکار رفته است (سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی: ص ۱۴۷). عصار تبریزی واژه‌ها و ترکیبهای مهجور عربی بسیاری بکار برده است: آجام (۳۴۹۱)، عصابه (۳۵۲۳)، عواد (۳۰۶۶)، منخسف (۳۲۵۱)، قرآبه (۵۲۷)، مفاجا (۲۰۱۷)، موفور (۳۰۱۶)، زواهر (۳۲۶۴)، اجفان (۳۳۱۹)، قرطه (۳۳۹۴)، قوت الظهر (۸۲۰)، طرفه‌العین (۱۳۶۴)، نقی الخد (۱۵۳۴). همچنین واژه‌ها و ترکیبهای متداول عربی را نیز بکار میبرد: اولوالابصار (۱۷)، لن ترانی (۲۳)، مازاغ (۶۴)، لولاک، لعمرک (۷۳)، لی مع الله (۷۴)، انا فتحنا، انا کفینا (۷۵)، نور علی نور (۱۰۲)، لامکان (۱۱۵)، قاب قوسین (۱۱۶)، قائم اللیل (۱۶۰)، مقبول الروایت (۲۰۰)، فتح الباب (۳۰۰)، فتح الباب (۳۱۵)، شفاک الله (۱۹۷۶)، احصا (۱۹۹۵)، منهج (۲۰۹۵)، تحیر (۲۱۳۰)، تحت الثری (۲۱۳۳)، تعالی الله (۲۱۳۳)، صائب (۲۳۷۴)، فارغ البال (۲۵۶۶)، تمام‌الوزن (۲۸۵۰)، بیت الحزن (۴۲۰۲)، بنات النعش (۴۸۷۰)، کرام الکاتبین (۳۰۱۹)، فی الحال (۱۵۷۷)، (۳۰۳۴).

لغات و ترکیبات حماسی

در این منظومه لغات و ترکیبات حماسی نیز بکار رفته است. اگرچه بسامد بسیار بالایی ندارد اما نشان‌دهنده توجه شاعر به آفرینش صحنه‌های رزم، شکار و طبع‌آزمایی در زمینه اشعار حماسی است. برخی از این ترکیبات چون

رستم‌انداز (۳۳۲۸)، رستم آخرزمان (۳۳۸۳)، فولادمهره (۳۷۵۷)، ترکیبهای بدیعی است ولی در توصیف صحنه‌های رزم و شکار اغلب از اصطلاحات متداول بهره میگیرد: آماجگاه (۲۰۸۶)، مردانداز (۳۲۱۴)، پلنگ افکن (۳۴۶۷)، پیل‌انداز (۳۵۰۲)، دشمن کوب (۳۷۵۸)، نصرت نامه (۳۸۶۷)، گردن فراز (۲۱۱۳)، غریوان (۲۱۲۳)، آدمی‌خوار (۲۱۲۳)، سلاح و آلت جنگ (۲۱۴۰)، قوس کین- ترکش (۲۱۴۲)، قوس، خدنگ، سینه‌سوزی (۲۱۴۴)، شست و کمان- تیرباران (۲۱۴۶)، زه، شست (۲۴۷۰)، دست‌انداز (۲۴۷۶)، گردنکش، چابک‌سوار (۳۲۳۰)، جیش (۳۴۵۹)، روئین‌تن، پولادخفتان (۳۳۹۱).

* ترکیب‌سازی

ترکیب‌سازی یکی از شاخصه‌های قابل توجه در منظومه مهر و مشتری است. پیش از او در شعر خاقانی و نظامی شاهد ترکیبهای شاعرانه‌ای هستیم که بسیاری از آنها بی‌سابقه است؛ بنابراین این مؤلفه را میتوان ویژگی شاعران سبک آذربایجانی دانست. در منظومه مهر و مشتری بررسی ترکیبهای جدید در منظومه مهر و مشتری مشخص میکند که این ترکیبها را میتوان در سه دسته بررسی کرد.

دسته اول ترکیبهایی است که با وجود جستجوی بسیار، در دیوان سایر شاعران مشاهده نشد. این ترکیبها هیچ سابقه‌ای در دیوان سایر شاعران ندارد و مشخصاً ابداع خود شاعر است. مانند ترکیبهایی که شاعر با پسوند شباهت «آسا» ایجاد کرده است:

خیال‌آسا (۳۲۱۹)، چرخ‌آسا (۴۳۲۴)، هلال‌آسا (۳۲۵۴) نیز ترکیبهایی چون: ناگه‌گیر (۳۲۱۹)، بحرانگیز (۲۰۶۸)، گره‌کار (۱۵۸۴)، رستم‌انداز (۳۳۲۸)، آتش‌انگیز (۳۰۴۸ و ۳۷۱۶) که ترکیبات ابداعی شاعر است.

چو لطف حق بود یار و نگهبان / چه باک از موج بحرانگیز طوفان (۲۰۶۸)

که از بازیچه چرخ گرهار / چو شد مهر جهان‌آرا گرفتار (۱۵۸۴)

خیال‌آسا شبیخون ساز و لعاب / همه شبگرد و ناگه‌گیر چون خواب (۳۲۱۹)

یکی چرخ هلال‌آسا ز قربان / برون آورد آن خورشید دوران (۳۲۵۴)

به شکر آنکه روی مهر دیدم / بدین درگاه چرخ‌آسا رسیدم (۴۳۲۶)

ترکیب «بحرانگیز» بعدها در دیوان قآنی بکار رفته است.

دسته دوم ترکیبهایی است که صورت دیگری از این ترکیبها در شعر سایر شاعران قابل رؤیت است اما عصار تبریزی با کمی تغییر، صورت جدیدی به این ترکیبها داده است:

معنی‌طرازی (۲۳۱) معنی‌طرازی پیش از عصار در دیوان هیچ شاعری مشاهده نشد اما پس از او در دیوان حزین لاهیجی در مثنوی صفیردل بکار رفته است. کلمه طراز در ترکیب با کلمات دیگر چون دین‌طراز، نقش‌طراز، کرشمه‌طراز، لعل‌طراز و ... پیش از عصار بکار رفته است:

زهی دین‌طرازی که بی نقش نامت / در آفاق یک حرف معجم ندارم (دیوان خاقانی: ص ۲۸۵)

لعل‌طراز کمر آفتاب / حله‌گر خاک و حلی‌بند آب (مخزن‌الاسرار: ص ۱)

دسته سوم ترکیبهایی است که پیش از او در دیوان شاعران دیگر بخصوص خاقانی یا نظامی بکار رفته و ابداع آن شاعران بوده است اما ترکیبهای پرتکراری محسوب نمیشوند:

دل از شیرین غبارانگیز کرده / به عزم روم رفتن تیز کرده (کلیات نظامی: ص ۲۰۸)

این ترکیب بعدها در دیوان بیدل دهلوی بارها بکار رفته است.

به شعر سوزناک فرقت‌آمیز / فکند اندر دل شاه آتش تیز (۳۰۸۸)
این ترکیب تنها در هفت اورنگ جامی مشاهده شد.
هر لحظه ز وصل فرقت‌آمیز / وز راحت‌های محنت‌انگیز (هفت اورنگ: ص ۸۵۰)

ویژگیهای ادبی

***تشبیه:** یکی از اصلیت‌ترین عوامل ایجاد ایماژ و تصویر شعری استفاده از تشبیه است. در تشبیه گوینده میتواند عنصر قابل توصیف را با شباهت دادن به عنصری دیگر به شکلی مؤثرتر و قویتر توصیف کند. چگونگی کاربرد وجه شبه و ادات تشبیه، ذکر و حذف هر کدام، تقسیمات متنوعی از انواع تشبیه را بوجود می‌آورد که در دوره‌های مختلف شعر فارسی بر سر استحسان هر کدام از این انواع در میان ادیبان تفاوت عقیده وجود داشته است. تشبیهاتی که عصار تبریزی در منظومه «مهر و مشتری» بکار میگیرد اغلب از نوع حسی به حسی و مرسل است. عصار در منظومه «مهر و مشتری» با بهره‌گیری از مشبیه‌هایی از عناصر طبیعت، تصاویر ملموس و محسوسی می‌آفریند و اغلب مشبیه‌های حسی و مشبیه‌های متداول در اشعار غنایی را بکار میگیرد؛ چون اشک، شفق، دریا، صبح، شمع، قندیل، غنچه، ماه، نرگس، گل، خورشید، مجنون، لعل، بلبل، طوطی، نیشکر، نسرين، سوسن، سایه، باد، ابر. مشبیه‌های حسی متداول اشعار حماسی چون گردون، شمشیر، تیر، کمان، ترکان نیز بصورت محدود در این منظومه بکار رفته است. بنظر میرسد در توجه به تشبیهات محسوس بیشتر متأثر از تشبیهات نظامی و تصاویر ملموس در شعر او است. ۶۰٪ تشبیهات بکاررفته از این نوع است. اغلب مشبیه‌ها مطلق هستند و مشبیه مقید بسیار محدود است. کاربرد مشبیه به عقلی چون اذکار فقیران و افکار حکیمان (۹۸) نیز بسیار محدود است. با وجود اینکه مشبیه‌ها از مشبیه‌های متداول ادب فارسی است اما همین مشبیه‌ها در برخی موارد با وجه شبهی جدید و خلاقانه بکار رفته است. مثل تشبیه به آسمان با وجه شبه به پهلوی غلتیدن:
اگر گردم به فرق سر چو پرگار / وگر غلتم به پهلوی آسمان‌وار (۳۶۳۲)
یا تشبیه به باد با وجه شبه با سر بر خاک گشتن:
همی گردم به سر بر خاک چون باد / مگر گردم دمی از وصل او شاد (۳۶۳۱)
تشبیه چشم به ترکان کماندار با وجه شبه از مستی خفتن بر طرف گلزار:
دو چشمش همچو ترکان کماندار / ز مستی خفته خوش بر طرف گلزار (۳۶۱)
یا مشبیه سایه با صفت با سر به خاک غلتیدن:
چو کردی یاد مهر از جان غمناک / بغلتیدی به سر چون سایه بر خاک (۶۷۴)
موارد دیگر: چو نی گشت از هواداری خروشان / چو می شد ز آتش پوشیده جوشان (۶۷۶)، چو صورت کرده دایم رو به دیوار (۶۷۵)، که چون گلبرگ خواهی رفت بر باد (۶۹۳)، چو شمعت رفت خواهد سر در آن سر (۶۹۴) و... در مواردی اگرچه مشبیه بدیع نیست اما کاربرد مشبیه برای آن مشبیه نامتداول است و همین مسئله باعث شگفتی خواننده و زیبایی اثر میشود. مثل تشبیه منقل به نگاری سرخ مقنع:
نشسته منقل زرین مربع / ز آتش چون نگاری سرخ مقنع (۳۴۳۸)
یا تشبیه آتش به گلی بر سر خاری:
چو گل بر خار ناهموار خفته / رخ سرخش ز دم خوردن شکفته (۳۴۴۹)
تشبیه ازدحام مردم به ستاره‌های چرخ هشتم:

از انبوه خلاقیت برج و باره / چو برج چرخ هشتم پرستاره (۳۵۲۱)

نکته قابل ملاحظه تمام تشبیهات در این نکته است که تشبیهات این منظومه متناسب با روح حاکم بر اثر است. زمانی که عصار تبریزی به توصیف مهر در مجلس بزم میپردازد، اغلب مشبه‌به‌های غنایی چون سروبن (۳۰۶۲) لعل (۳۰۵۹) ماه (۳۰۷۹) شبنم (۳۰۶۳) بکار میگیرد اما زمانی که مهر را در صحنه نبرد با ببر توصیف میکند از مشبه‌به‌هایی حماسی چون طاس پر از خون (۳۴۸۴)، تیر (۳۴۶۰)، شیر شکاری (۳۴۶۷)، یوز (۳۴۷۱) استفاده میکند. در مجموع میتوان گفت عصار تبریزی، تشبیهات منظومه را متناسب با موضوع هر قسمت و روح غنایی یا حماسی اثر بکار میگیرد اما بدلیل غلبه توصیفات غنایی، تشبیهات متناسب با این موضوع غلبه دارد.

تشبیه تفضیلی: در برخی قسمتهای منظومه تشبیه تفضیلی غلبه مییابد و این مسئله اغلب زمانی است که شاعر به توصیف مهر میپردازد. در این تشبیهات، شاعر موفق به تصویرسازی میشود و از این منظر میتوان تشبیهات تفضیلی را تشبیهات خلافت این منظومه به حساب آورد:

درون حلقه آن زلف هندو / نبوده مشک چین را قدر یک مو (۳۴۴)

شب قدر جهان تازی ز مویش / مه عید فلک تابی ز رویش (۲۶۰۶)

جهان را خور به پیشانی گشاده / ولی پیش جبینش سرنهاده (۳۵۰)

محیط ارچند گوهر پروریده / ولی در کف چنان درّی ندیده (۲۳۳۷)

نبوده مهر را جز شرمساری / به پیش روی او از روی داری (۳۷۶)

ادات تشبیه: ادات تشبیه نیز در بسیاری از تشبیه‌ها ذکر شده است با این تفاوت که شاعر در کاربرد ادات تشبیه پیرو مطلق شعرای پیش از خود نیست بلکه با بکارگیری ادات تشبیه و ترکیب با مشبه‌به تلاش میکند ترکیبهای جدید نیز بیافریند. در این مسئله به قطع و یقین تحت تأثیر نظامی و خاقانی بوده است که وجه مشخصه اشعارشان ترکیب‌سازی است. لکن عصار تبریزی نیز در کاربرد ترکیبها نوآوریهای قابل ملاحظه‌ای دارد. چون استفاده از وجه شبه «آسا» در ترکیب چنار آسا (۶۸۱)، رباب آسا (۱۴۴۹)، دوات آسا (۲۹۸۰)، هلال آسا (۳۲۵۴)، کمند آسا (۳۷۶۱)، چرخ آسا (۴۳۲۴).

تشبیهات بلیغ: دقت و تأمل در انواع تشبیه در منظومه مهر و مشتری آشکار میکند که تشبیهات بلیغ در این منظومه بسامد قابل توجهی دارد. دلیل این مسئله میتواند توجه شاعر به هنرنمایی باشد. او تلاش میکند قدرت شاعری و توانایی سخنوری خود را نمایان کند. به همین دلیل به نوعی با تراجم صور خیال از جمله تشبیه در این منظومه مواجهیم. او برای بکار بردن تشبیهات فراوان، از تشبیهات بلیغ بیشتر استفاده میکند. از طرف دیگر تشبیه بلیغ هنریتربین نوع تشبیه است؛ بنابراین از این نوع تشبیه بیشتر استفاده میکند تا قدرت خود را در آفرینش صورخیال بدیع نمایش دهد.

اضافه‌های تشبیهی این اثر نیز چون تشبیهات، اضافه‌های متداول ادبیات فارسی است. اضافه‌های تشبیهی اغلب اضافه‌های تشبیهی متداول ادبیات غنایی است؛ چون: دفتر دل (۱۳)، بحر عشق (۵۴)، مهر روی، مشک موی (۶۲)، گل رخسار (۹۲)، عروس نظم (۱۸۳)، درّ نظم (۲۰۵)، پرده غم (۲۳۰)، شاه عشق (۲۳۸)، عالم دل (۳۰۹)، شراب شادمانی (۳۱۱)، ماهرخ (۳۳۳)، بستان خوبی، ایوان خوبی (۳۶۴)، گلستان نکویی (۳۷۷)، نسرین خد (۴۱۷)، گلستان حسن (۴۵۶)، ریاض حسن (۴۶۶)، سیل اشک (۶۶۹)، لوح نقش رخ (۶۸۹).

اضافه‌های تشبیهی متداول ادبیات حماسی یا عرفانی نیز به تناسب موضوع در این منظومه مشاهده میشود اما بسامد کمتری نسبت به اضافه‌های تشبیهی غنایی دارد: دریای حیرت، شمشیر غیرت (۳۶)، جوشن گردون (۱۰۷)،

خانقاه چرخ خضرا (۱۰۸)، (۱۵۲)، خانقاه ترک و تجرید (۲۹۶)، بارگاه عدل (۲۹۶)، بستان طریقت، ایوان حقیقت (۲۹۸)، کمان شبروی (۱۰۱)، درخت جهل (۴۹۰)، شرق بختیاری (۴۹۲)، سپهر شهریاری (۴۹۲)، تیر آه (۶۶۹)، تیغ زبان (۶۹۷)، آسیاب چرخ (۳۴۱۹). حدود ۳۹/۵٪ تشبیهات در این منظومه در ساختار ترکیب اضافی بکار رفته است.

***استعاره:** استعاره یکی دیگر از مهمترین صورتهای خیالی است که برخی آن را اساس کلام شاعرانه دانسته‌اند. «پروردگی هنری و ارزش زیبا شناختی استعاره از تشبیه افزونتر است؛ زیرا سخن دوست را بیشتر به شگفتی درمیآورد و به درنگ در سخن برمیانگیزد» (زیباشناسی سخن پارسی، کزازی: ص ۳۷۰).

استعاره مصرّحه: در استعاره‌های مصرّحه منظومه مهر و مشتری، بیش از هر چیز شاهد حضور عناصر طبیعی در استعاره هستیم. بنظر میرسد شاعر در این آرایه نیز به استعاره‌های نظامی توجه داشته است. در منظومه‌های نظامی، بخصوص در دو منظومه خسرو و شیرین و هفت پیکر، شاهد حضور گسترده عناصر طبیعی در استعاره‌های مصرّحه هستیم. برخی از این استعاره‌ها بدیع هستند چون کاربرد «پروانه‌های سیم» برای «دانه‌های برف» یا کاربرد «نگار سرخ‌رخسار سیه‌موی» برای «آتش»:

شده از باد شمع روز پنهان / ولی پروانه‌های سیم پَران (۳۴۲۱)

نگاری سرخ‌رخسار سیه‌موی / چو خورشید درخشان جمله تن روی (۳۴۴۴)

یا کاربرد «آرد» برای «برف» و «فرش مرمر» برای «یخبندان»:

ز دور آسیاب چرخ گردان / شده روی زمین در آرد پنهان (۳۴۱۹)

ز بس کافکنده بر جو فرش مرمر / ز رفتن گشته لغزان پای صرصر (۳۴۲۰)

بنظر میرسد در کاربرد برخی از این استعاره‌های بدیع به استعاره‌های نظامی نظر داشته است؛ چون کاربرد «وشق‌پوش» برای سرد و سفید شدن آسمان:

برآورده ز سرما کوهها دوش / شده گردون سنجابی و شق‌پوش (۳۴۲۳)

که بسیار نزدیک به کاربرد نظامی است:

چو شد دوران سنجابی و شق‌دوز / سمور شب نهفت از قاقم روز (کلیات نظامی: ص ۱۵۷)

گاهی نیز استعاره‌ای متداول را با ویژگی و صفتی جدید همراه میسازد. مانند استعاره قرار دادن هلال مشکین از ابرو که استعاره متداولی است ولی هلال ماهی که مدام در جبهه منزل کرده است. در این قسمت علاوه بر صفتی نو برای استعاره، با کلمه جبهه (در معنای صورت فلکی از منازل ماه – پیشانی) نیز ایهام بوجود آورده است:

و یا بود آفتابی بی‌زوالی / عیان از هر طرف مشکین هلالی

هلال غرب را کوتاه ازو دست / به طرف جبهه منزل کرده پیوست (۳۵۲-۳۵۳)

اما بطور کلی غلبه با استعاره‌های متداول و تکراری ادب فارسی است که در این منظومه نیز بکار رفته است:

ز غم گشت ارغوانش زعفرانی / ز دم شد زعفرانش ارغوانی (۲۳۹۹)

شکفته خیریش بر جای لاله / ز نرگش لاله‌زارش غرق ژاله (۲۴۰۰)

پری‌پیکر بتی ماهی مقنّع / بهشتی دلبری حوری مبرقع (۲۶۰۵)

بر اطراف گل آن سرو سیمین / شکفته همبر سنبل دو نسرين (۳۷۸)

درج مدّور استعاره از دهان (۴۰۰)، گوهر استعاره از دندان مهر (۴۰۰)، درّ رشته استعاره از دندان مهر (۳۹۹)، قوس بی‌وتر استعاره از ابروی مهر (۳۶۹)، طاق عنبرآگین استعاره از ابروی مهر (۳۶۶)، گل و نسرين استعاره از

گونه و صورت مهر (۳۶۶)، قوس مشکین استعاره از ابرو (۳۵۶)، طاق استعاره از ابرو (۳۵۵ و ۳۵۷)، آفتاب بی‌زوال استعاره از مهر (۳۵۲)، دیر مینا استعاره از آسمان (۳۴۹)، آتش استعاره از سوز دل مشتری (۶۸۰)، شبنم استعاره از عرق (۳۰۶۳)، خرگه سنجاب‌گون استعاره از آسمان (۳۴۲۴)، گلنار استعاره از آتش (۳۴۴۰)، گلستان دلارای استعاره از منقل (۳۴۴۱)، شیر شکاری استعاره از مهر (۳۵۰۲)، ژنده‌پیل استعاره از مهر (۳۵۲۳)، عقیق شکرافشان استعاره از لب ناهید (۳۶۴۸)، سرو استعاره از قامت مهر (۴۷۰ و ۴۶۶ و ۴۱۹ و ۳۰۶۲)، صنوبر استعاره از مهر (۴۴۸)، خورشید مهوش استعاره از مهر (۴۲۵)، بلبل دستان‌سرا استعاره از مهر (۴۱۳)، طوطی شکر‌مقال استعاره از مهر (۴۱۴)، لعل استعاره از لب‌های مهر (۳۹۷ و ۳۹۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۴۰۹ و ۳۰۵۹) و...

نکته قابل توجه در استعاره‌های مصرحه نیز توجه شاعر به موضوع و تناسب مشبه‌به‌ها با موضوع هر قسمت است. زمانی که به توصیف مهر می‌پردازد یا شرح حال عشق او را بیان میکند از مشبه‌به‌های غنایی چون صنوبر، طوطی، ماه، آفتاب و... بهره می‌گیرد اما زمان توصیف جنگاوری مهر از مشبه‌به‌های اژدها، شیر، و ژنده‌پیل استفاده می‌کند. که چون ثعبان پیل انداز صفدر / پلنگ شیرکش ببر دلاور (۳۶۸۱) ثعبان، پلنگ و ببر استعاره از مهر هستند.

*استعاره مکنیه: در استعاره مکنیه برخلاف استعاره مصرحه، مشبه همراه با یکی از صفات و ملائمت مشبه‌به که عموماً جاندار است ذکر می‌شود. به این ترتیب استعاره مکنیه نوعی حرکت و پویایی در تصاویر شعری ایجاد می‌کند. چون اغلب این تصاویر با تشخیص و جاندارانگاری همراه می‌شود. شفيعی کدکني تصرف ذهن شاعر در اشیا و در عناصر بیجان طبیعت را یکی از زیباترین گونه‌های صور خیال در شعر میدانده که همه چیز برابر ما سرشار از زندگی، حرکت و حیات می‌شود (صور خیال در شعر فارسی، شفيعی کدکني: ص ۱۴۹).

زیباترین استعاره‌های بکاررفته در این منظومه، استعاره‌های مکنیه تخیله هستند که در اغلب آنها شخصیت‌بخشی وجود دارد. در این نوع استعاره‌ها شاعر موفق به تصویرسازی می‌شود و از استعاره‌های کلیشه‌ای متداول فاصله می‌گیرد. اوج استفاده عصار تبریزی از این نوع تصویرسازی هنگام توصیف است که بنظر میرسد در این امر نیز توجه به آثار نظامی داشته است. نظامی نیز هنگام وصف، بیشترین توجه خود را به جان‌بخشی به عناصر مادی اختصاص می‌دهد.

ز رشک ناخنش شب در مه تار / به ناخنهای انجم کنده رخسار (۴۴۶)

چنار گردن‌افراز زبردست / به خدمت پیش سروش دست بر دست (۴۶۸)

ز شرم آن گل خودروی رعنا / نهاده لاله رو در کوه و صحرا (۳۷۳)

استعاره مکنیه در منظومه بسیار محدود است و اغلب بصورت اضافه‌های استعاری بکار رفته است. این اضافه‌ها اغلب متناسب با روح غنایی اثر است: خرمن ماه (۹)، دل سنگ (۱۱)، سر مهر (۱۱)، رخ گل (۳۰)، صدر عشق (۲۴۶)، پای دل (۳۰۰)، (۴۱۷)، دندان ستاره (۴۰۵)، انگشت حیرت (۴۰۶)، ناخن شکر (۴۴۴)، چشم فکرت (۵۰۴)، حلق صراحی (۳۰۵۳)، پای صرصر (۳۴۱۹) و...

*کنایه: کنایه یکی از صورتهای بیان پوشیده و اسلوب هنری گفتار است؛ بسیاری از معانی را که در منطق عادی گفتار لذت‌بخش نیست، از رهگذر کنایه میتوان به اسلوبی دلکش و مؤثر بیان کرد (صور خیال در شعر فارسی، شفيعی کدکني: ص ۱۴۰). بعلاوه کنایه یکی از حساسترین مسائل زبان است. کنایه ذکر مطلبی و دریافت مطلبی دیگر است و این دریافت عمدتاً از طریق انتقال از لازم به ملزوم و یا بر عکس صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر میتوان گفت ذکر جمله یا ترکیبی است که به جای معنی ظاهری، مراد یکی از لوازم معنی آن است (بیان، شمیسا: ص ۲۷۹). کنایه‌های بکاررفته در منظومه: باد در دست داشتن (۶۸۱)، دست بر دست زدن (۶۸۱)، چشمه خورشید

انباشتن (۱۹۱)، پای از گلیم خود فراتر گذاشتن (۶۹۸)، نمک بر زخم پاشیدن (۷۰۶)، انگشت به دندان ماندن (۴۴۰)، گوی از میدان بردن (۴۱۵)، حلقه در گوش شدن (۳۸۱)، انگشت بر حرف نهادن (۳۸۶)، نیش زدن (۷۰۸)، آب در هاون کوبیدن (۱۰۳۱)، خورشید به گل اندودن (۱۶۱۰).

***اغراق:** اغراق از ویژگیهای اصلی داستانهای حماسی است. اما در منظومه‌های غنایی و حماسی نیز اغراق در توصیف قهرمان اساطیری دیده میشود (نگاهی تازه به بدیع، شمیس: ص ۷۷). منظومه «مهر و مشتری» اگرچه منظومه‌ای غنایی است، بدلیل داشتن قسمتهایی در توصیف نبرد، شکار و ... دارای بخشهایی با توصیفات حماسی است. ازاینرو در این منظومه با اغراقهای متنوعی مواجه هستیم. اغراقهایی متناسب با توصیف قهرمان در ادب غنایی و اغراقهایی متناسب با ادب حماسی.

ز انگشتش خرد حیران بمانده / سر انگشت در دندان بمانده (۴۴۰)
به رویش پشت نیکو محضری گرم / به بازویش کمان و دلبری نرم (۴۲۷)
فلک روزی که عرض حسن داده / عنان لطف در دستش نهاده (۴۳۵)
ز سوزش ناله بر کوه اوفتادی / غمش از سنگ جوی خون گشادی (۶۸۳)
ز سنگ‌انداز او سنگی چو جستی / پس از قرنی سر کیوان شکستی (۱۴۲۶)
بروجش را ملازم نجم سیار / درش را از ثوابت بوده مسمار (۱۴۳۲)

***ایهام و انواع آن:** ایهام و ایهام تناسب نیز یکی از آرایه‌های پرتکرار در منظومه «مهر و مشتری» است. این آرایه بیشتر هنگامی جلوه دارد که شاعر نام شخصیتها را بکار میبرد. انتخاب نام شخصیتها از عناصر فلکی چون مهر، مشتری، ناهید، بدر، بهرام، جوزا این امکان را برای شاعر پدید آورده که باحتی با نام شخصیتهای داستان، ایهام و ایهام تناسب پدید آورد اما این مقدار توجه به این آرایه، کلام او را ساختگی و تصنعی کرده و از لطف کلام او کاسته است.

تو هستی مشتری او مهر انور / قران با هم شما را نیست درخور (۷۰۳)
بدین فعل ار کمر بندی چو جوزا / کنی بی‌شک وبال خود تمنا (۷۰۵)
نه جز خورشید شاید جفت ناهید / نه جز ناهید زبید یار خورشید (۲۶۲۲)
تو ناهیدی و یارت مهر یکتا است / یقین می‌دان که اوج هر دو جوزا است (۳۳۵۳)
که چون ناهید ماه مهرسیما / ز مهر مهر شد چون ذره شیدا (۳۳۰۸)

***تلمیح:** تلمیح در کلام عصار تبریزی، آرایه‌ای پرکاربرد محسوب میشود. بخصوص تلمیح به آیات قرآن و داستانهای پیامبران در منظومه او زیاد بکار رفته است. شاعر در این امر بیشک تحت تأثیر خاقانی و نظامی است که به این ترتیب میتواند تسلط خود و مهارت شاعریش را به رخ دیگران بکشد.

تلمیح به آیات قرآن: اولوالابصار را در هر دو دیده / ز لاتدرکه میل غم کشیده (۱۷)، خطوط رایش آنا فتحنا / ممد لشکرش آنا کفینا (۷۵)، ز جمع کاظمین الغیظ گردد (۱۲۲۹)، زو العافین نهندش تاج بر سر (۱۲۳۰)، یکایک ربّ انزلنی بخوانند (۲۶۶۳) موارد دیگر: (۴)، (۱۱)، (۱۴)، (۵۶)، (۷۶)، (۱۰۱)، (۱۰۲)، (۱۲۲۹)، (۲۰۷۷)، (۲۳۶۱)، (۲۴۹۰)، (۲۶۳۶)، (۲۶۶۳)، (۳۰۱۸)، (۳۸۵۳)، (۳۹۴۵)

تلمیح به داستان پیامبران: چو موسی جسته از وصلش امانی / شده مجروح تیغ لن ترانی (۲۳)، چو ظاهر کرده انگشت هلالی / شکسته حسن ماه بدر حالی (۷۰)، به دست لطفش ایزد کرده تخمیر (۴۵۷) موارد دیگر: (۲۲) /

۶۳/ (۶۴) / (۶۸) / (۷۳) / (۷۴) / (۸۴) / (۸۵) / (۱۵۵) / (۱۹۷) / (۲۵۶-۲۵۷) / (۴۱۸) / (۴۲۹) / (۱۵۰۰) / (۱۶۱۰) / (۱۸۰۷) / (۱۲۸۰) / (۳۶۱۳) / (۳۳۲۲) / (۳۴۴۳).

تلمیح به شخصیت‌های اساطیری:

ز ریر آسا به زیر ضرب خاموش / گذر کرده بر آتش چون سیاوش (۸۱۵)

چو زال زر مدامش میل دستان از آن دستان اسیر بند و زندان (۸۱۸)

موارد دیگر: (بیت ۲۴۸۴)، (بیت ۳۳۹۰)

تلمیح به شخصیت‌های عرفانی و تاریخی:

ز عشقش رفته جانبازان سر دارز شادی پای کوبان بر سر دار (۳۷)

ز زخم تیز طبعان رنج بردن / ز تیغ سربداران زخم خوردن (۱۱۸۳)

تلمیح به داستان‌های غنایی:

ز رامین کرده ویس آرام یغما / ز وامق برده نرد صبر عذرا (۲۵)

لب شیرین به خسرو کرده افسون / بسته زلف لیلی خواب مجنون (۲۶)

برو بر خسرو و شیرین نظر کن / وزو بر لیلی و مجنون گذر کن (۲۲۶)

موارد دیگر: (۲۹۵۷) / (۲۹۶۵)

نتیجه‌گیری

سطح آوایی: مثنوی «مهر و مشتری» در بحر هزج مسدس محذوف سروده شده است که وزنی پرکاربرد برای سرودن منظومه‌های غنایی محسوب می‌شود. منظومه در قالب مثنوی سروده شده است؛ از اینرو تنوع در کاربرد قافیه و ردیف وجود دارد. بیشتر قافیه‌های بکاررفته قافیۀ اسمی است. ۷۹٪ ابیات قافیۀ اسمی و ۱۱٪ ابیات قافیۀ فعلی دارند. در حدود ۱۰٪ ابیات ردیف همراه با قافیه بکار رفته است که بیشتر آنها ردیف‌های فعلی هستند. شاعر برای افزایش موسیقی کلام از جناس در جایگاه قافیه بهره برده است. جناس تام و جناس مرکب از انواع پرکاربرد جناس در قافیه است. بخشی از ابیات ذوقافیتین هستند. در ابیات انواع مختلف جناس، تکرار واژه، تصدیق، هم‌حروفی، هم‌صدایی، تنسیق الصفات، تتابع اضافات، اعنات و طرد و عکس بکار رفته است که موسیقی درونی شعر را افزایش داده است.

سطح لغوی: در این منظومه لغات و ترکیبات عربی و لغات و ترکیبات نجومی بسامد بالایی دارد. همچنین این منظومه ترکیب‌هایی نوساخته دارد که بنظر میرسد بر ساخته ذهن شاعر است. ظاهراً عصارۀ تبریزی در کاربرد این اصطلاحات تحت تأثیر خاقانی و نظامی است. همچنین در این منظومه ترکیب‌های حماسی نیز کاربرد دارد.

سطح ادبی: تشبیه، اضافه تشبیهی، استعارۀ مصرّحه و تلمیح از پربسامدترین آرایه‌های بکاررفته در این منظومه است. آرایه‌هایی چون اغراق، ایهام تناسب، استعاره مکنیه و کنایه نیز با بسامد کمتر در منظومه بکار رفته است. تشبیهات اغلب از نوع حسی به حسی (۶۰٪) است. اغلب مشبیه‌ها حسی و مشبیه‌های متداول در ادبیات غنایی است. در بخش توصیفات حماسی مشبیه‌های حسی متداول در ادبیات حماسی بکار رفته است. اغلب مشبیه‌ها مطلق هستند و مشبیه به مقید بسیار محدود است. مشبیه‌های متداول در برخی موارد با وجه شبهی خلاقانه و جدید بکار رفته‌اند که سبب زیبایی تشبیهات شده است. زمانی که به توصیف قهرمان داستان می‌پردازد تشبیهات تفضیلی غلبه می‌یابد. تشبیهات بلیغ بسامد بالایی دارد و حدود ۳۹/۵٪ تشبیهات از این نوع است. پس از تشبیه،

استعاره مصرّحه پرکاربرد است. تشبیه و استعاره متناسب با روح غنایی اثر بکار رفته است. زیباترین استعاره‌های ممکنه که در شعر بکار رفته، زمانی است که شاعر با جان‌بخشی به عناصر، موفق به تصویرسازی میشود. بیشترین تلمیح‌های بکاررفته در منظومه، تلمیح به آیات قرآنی و داستانهای پیامبران است که با هدف نشان دادن تسلط و مهارت شاعر بکار رفته است. ایهام تناسب نیز اغلب با نام شخصیت‌های داستان بوجود آمده است که رنگ تصنعی به شعر داده است.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCE

- Assar Tabrizi, Shamsuddin Mohammad. (۱۹۹۶). Mehr and moshtari, edited by Reza Mostafavi Sabzevari, Tehran: Allameh Tabatabai University.
- Gholamreza'ei, Mohammad. (۲۰۱۶). Stylistics of Persian poetry from Rudaki to Shamloo, fifth edition, Tehran: Jami.
- Homayi, Jalaluddin. (۲۰۰۳). Rhetoric and Literary Crafts, ۲۱st Edition, Tehran: Homa, p. ۷۶.
- Jami, Nouredin Abdolrahman. (۱۹۹۶). Masnavi Haft Orang, correction and introduction by Morteza Modarres Gilani, seventh edition, Tehran: Mahtab, P.۸۵۰.
- Kazazi, Mir Jalaluddin. (۱۹۹۱). The Aesthetics of Persian Speech (Expression), Second Edition, Tehran: Markaz, Mad Book, P. ۹۵.
- Khaghani Shervani, Afzaluddin. (۱۹۹۵). Divan of Khaghani Shervani, correction, introduction and comments by Zia-ud-Din Sajjadi, fifth edition, Tehran: Zavvar, P.۵۳.
- Modaares Tabrizi, Mohammad Ali. (۱۹۹۰). Reyhaneh al-Adab in the translation of famous people in his nickname and title, Volume ۴, Third Edition, Tehran: Khayyam, P.۱۴۰.
- Nezami Ganjavi, Elias Ibn Yusuf. (۲۰۰۵). Generalities of Khamseh Nezami Ganjavi, by Parviz Babaei, Tehran: Negah, pp. ۱, ۱۵۷ and ۲۰۸.
- Safa, Zabihollah. (۲۰۰۲). History of Iranian Literature, summary by Mohammad Torabi, fourteenth edition, Tehran: Ferdows, P. ۸۱-۸۲.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۰۴). Images of Imagination in Persian Poetry, Ninth Edition, Tehran: Agah, P.۱۴۰, ۱۴۹.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۰۶). Poetry Music, Ninth Edition, Tehran: Agah, P.۹, ۶۷.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۰۰). A New Look at Badie', Twelfth Edition, Tehran: Ferdows, P.۷۷.
- Shamisa, Sirus. (۲۰۱۱). Bayan, fourth edition, Tehran: Mitra, P. ۲۷۹.
- Tarbiat, Mohammad Ali. (۱۹۳۵). Scientists of Azerbaijan, Tehran: Majles, P.۲۷۶.
- Vahidian Kamyar, Taghi. (۱۹۸۸). Weight and Rhyme of Persian Poetry, Tehran: University Publishing Center, P. ۶۱.

فهرست منابع فارسی

- بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۹۰) ویراست چهارم، تهران: میترا.
- تاریخ ادبیات ایران، صفا، ذبیح‌الله (۱۳۸۱) تلخیص از محمد ترابی، چاپ چهاردهم، تهران: فردوس.
- دانشمندان آذربایجان، تربیت، محمدعلی (۱۳۱۴) تهران: مجلس.
- دیوان، خاقانی شروانی، افضل‌الدین (۱۳۷۴) تصحیح، مقدمه و تعلیقات ضیاء‌الدین سجادی، چاپ پنجم، تهران: زوآر.
- ریحانه‌الادب فی التراجم‌المعروفین بالکنیه او اللقب، مدرّس تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹) جلد ۴، چاپ سوم، تهران: خیام.
- زیباشناسی سخن پارسی، کزازی، میر جلال‌الدین (۱۳۷۰) (بیان)، چاپ دوم، تهران: مرکز، کتاب‌ماد.
- سبک‌شناسی شعر پارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی، محمد (۱۳۹۵) چاپ پنجم، تهران: جامی.
- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳) چاپ نهم، تهران: آگاه.
- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۲) چاپ بیست و یکم، تهران: هما.
- کلیات خمسۀ نظامی گنجوی، نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۸۴) به اهتمام پرویز بابایی، تهران: نگاه.
- مثنوی هفت اورنگ، جامی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۷۵) تصحیح و مقدمه مرتضی مدرس گیلانی، چاپ هفتم، تهران: مهتاب.
- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۵) چاپ نهم، تهران: آگاه.
- مهر و مشتری، عصّار تبریزی، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۵) تصحیح و تحشیۀ رضا مصطفوی سبزواری، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس (۱۳۷۹) چاپ دوازدهم، تهران: فردوس.
- وزن و قافیۀ شعر فارسی، وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۶۷) تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

معرفی نویسنده

زیبا اسماعیلی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

(Email: esmaeili.ziba@sru.ac.ir)

COPYRIGHTS

© ۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introduction of the author

Ziba Esmaeili: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Tarbiat Dabir Shahid Rajaei University, Tehran, Iran.

(Email: esmaeili.ziba@sru.ac.ir)